

مدرسه اتفاق ایرانیان در تفلیس

- دکتر علی‌رضا علی‌صوفی
- نظام علی‌دهنوی

چکیده

در طی حاکمیت مظفرالدین شاه تحولات فرهنگی عمده‌ای در ایران رخ داد که یکی از آن‌ها تأسیس مدارس به سبک نوین بود. در خارج از مرزهای ایران نیز، به تبع تحولات داخلی، مدارس به سبک جدید بنیاد نهاده شد. یکی از این مدارس، مدرسه اتفاق ایرانیان در شهر تفلیس بود. مؤسسان و کار به دستان این مدرسه، جمعی از کنسولها و کارگزاران دستگاه دیپلماسی وقت ایران و نیز افراد ترقیخواه ایرانی در تفلیس بودند. سرانجام پس از رایزنی‌های گسترده، در سال ۱۲۸۷ش (۱۹۰۸م) مدرسه اتفاق فعالیت خود را آغاز کرد. این مدرسه از ابتدای تأسیس تا تعطیلی آن، با کمبود و مشکلات مالی مواجه بود. در طی انقلابهای منطقه قفقاز، پس از فروپاشی حاکمیت تزارها، این مشکلات تشدید شد. در دوران حکومت جمهوری گرجستان و سپس دولت بلشویکی، آنان تلاش کردند که مدرسه اتفاق را تحت نظارت خویش درآورند، اما اقدامات ایرانیان مقیم تفلیس و کارگزاران کنسولگری ایران در آن شهر تلاش فراوانی در ممانعت از این اقدام آنان به عمل آوردند. دولت شوروی فعالیت مدارس همچون اتفاق را در خاک خود تلاشی در راستای ترویج افکار غیر انقلابی تلقی می‌کرد. سرانجام مدرسه یاد شده به علت فشار دولت بلشویکی و نیز عدم استقبال گسترده ایرانیان مقیم تفلیس، تعطیل گردید.

کلید واژه ها: مدرسه اتفاق ایرانیان، تفلیس، انجمن خیریه ایرانیان، قفقاز، گرجستان.

ar. soufi @Yahoo. com

nezamdehnavi @Yahoo. com

• استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

•• دانشجوی دکتری تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور اسلام آباد غرب

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۹ تاریخ تایید: ۹۰/۴/۲۰

روند تأسیس مدارس به سبک نوین در ایران، طی حاکمیت مظفرالدین شاه شتاب فزاینده ای یافت. یکی از ویژگیهای این دوره، گسترش چشمگیر احداث مدارس خیریه به سبک جدید توسط تجار و شخصیت های سیاسی و فرهنگی است. تعدادی از کنسولها و کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران در کشورهای بیگانه نیز با کسب مجوز از کار به دستان کشور محل مأموریت خویش و با همکاری تجار و بازرگانان و اتباع مهاجر ایرانی مقیم آن محل، اقدام به تأسیس مدارس به سبک نوین کردند.

تفلیس به عنوان یکی از مراکز فرهنگی مهم در قلب منطقه قفقاز، از اواسط قرن نوزدهم همواره پذیرای تعدادی از مهاجران ایرانی بود. افرادی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، طالبوف و... روزگاری در آن شهر به اقدامات فرهنگی عمده ای دست زدند و عملکرد آنان بر تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران تأثیر گذاشت. از دهه ۱۲۶۰ش (۱۸۸۰ م) روند مهاجرت ایرانیان به منطقه قفقاز شتاب گرفت و تفلیس به عنوان یکی از مراکز عمده تجمع ایرانیان، پذیرای اقشار مختلف ایرانیان گردید. کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران در مسکو و تفلیس به اتفاق تجار و بازرگانان ایرانی، اقدام به تشکیل انجمن خیریه و تأسیس مدرسه اتفاق کردند.

البته ایرانیان غیر از تفلیس در مناطقی دیگر از قفقاز نیز اقدام به تأسیس مدرسه نمودند. از جمله این مدارس می توان از مدرسه اتحاد ایرانیان در باکو؛ مدرسه ترقی در چورنی گورد، واقع در یکی از محله های باکو؛ مدرسه سعادت در بی بی هیبت (نفظالان) واقع در یکی از محله های باکو؛ مدرسه تمدن در صابونچی واقع در یکی از محله های باکو؛ مدرسه وطن ایرانیان در سراب یکی از روستاهای باکو؛ مدرسه مظفری در حاجی طرخان؛ مدرسه احمدیه در گنجه؛ مدرسه نجات در باطوم نام برد.

بررسی ها نشان می دهد که در زمینه مدرسه اتفاق ایرانیان در تفلیس منابع بسیار محدود است. برای انجام این پژوهش به بررسی اسناد و مدارک موجود در آرشیو های وزارت امور خارجه، مرکز اسناد ملی ایران، اسناد دانشگاه تهران و آرشو مجلس شورای اسلامی پرداخته شد. غیر از اسناد آرشو وزارت امور خارجه، اسنادی بسیار اندک در باب مدرسه مذکور در سال های مورد تحقیق از دیگر مراکز آرشوی یافت شد. اما بیشترین اطلاعات و اسناد در باب آن مدرسه از سال های ۱۳۰۴ش تا تعطیلی آن را می توان در مرکز اسناد ملی ایران یافت. بررسی سالنامه احصائیه های موجود در مرکز اسناد دانشگاه تهران نیز نشانگر آن است که آنها از سال مذکور به این مدرسه پرداخته اند.

روزنامه هایی چون حبل المتین، ثریا، تربیت، اختر، ایران، ایران نو، بیرق عدالت، چهره نما و وقایع اتفاقیه و نیز تعدادی از روزنامه های چاپ قفقاز موجود در کتابخانه های ایران چون شیدا و مظهر مورد بررسی قرار گرفت که غیر از حبل المتین، ثریا و وقایع اتفاقیه در دیگر روزنامه های مذکور اطلاعاتی به دست نیامد. حبل المتین، نظام نامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس را در شماره های متعدد چاپ کرده بود، اما اطلاعات ارزشمندی در باب مدرسه ارائه نداده بود. این مقاله به بررسی توصیفی روند فعالیت مدرسه مذکور از ابتدای تأسیس تا ظهور سلسله پهلوی می پردازد و به تحولات پرفراز و نشیب آن در عصر رضا شاه و چگونگی تعطیلی اش اشاره ای ندارد و آن مهم مجالی دیگر را می طلبد.

نگاهی کلی به وضعیت ایرانیان مهاجر در قفقاز

مهاجرت ایرانیان به دیگر کشورها از نیمه دوم قرن نوزدهم و بخصوص از اوایل قرن بیستم شتاب فزاینده ای یافت. در این زمان، ممالک همجوار ایران همچون هندوستان، عثمانی و جنوب روسیه پذیرای جمع کثیری از ایرانیان بودند که در این میان منطقه قفقاز بیشترین تعداد را در خود جای داده بود.^۱

منطقه قفقاز از نیمه دوم قرن نوزدهم به دلایلی چون پیشرفت سریع در صنعت نفت، بهره برداری از معادن مس، گسترش شبکه راه آهن و رونق چشمگیر صنایع نساجی، تولید سیمان، ساختمان سازی و راه سازی به یکی از قطب های اقتصادی و صنعتی روسیه تبدیل شد.^۲

از سال ۱۲۵۲ش (۱۸۷۱م) با حفر نخستین حلقه چاه نفت در باکو، منطقه قفقاز رو به توسعه نهاد و صنایع مختلفی در آن منطقه تأسیس شد.^۳ از این رو، رشد سریع صنعت نفت و صنایع دیگر و توسعه و بهره برداری از معادن مختلف در منطقه به نیروی کار متخصص و فاقد تخصص زیادی نیاز داشت که جمعیت منطقه پاسخگوی آن نبود. به عنوان مثال، شمار کارگران شاغل در صنعت نفت باکو در کمتر از ۳۰ سال از ۱۸۰۰ نفر به ۲۶ هزار نفر افزایش پیدا کرد.^۴

در بندر حاجی طرخان نیز جمع کثیری از اتباع ایرانی در اسکله ها، به حمل و نقل بار در کشتی و بندرگاه مشغول بودند.^۵ در تفلیس، مرکز گرجستان، تعدادی از ایرانیان در مشاغل مختلف به کار اشتغال داشتند. پس از اتصال بندر پوتی واقع در ساحل دریای سیاه به تفلیس در نیمه دوم دهه ۱۲۳۹ش (۱۸۶۰م) از طریق راه آهن و نیز بهره برداری از خط آهن تفلیس - باکو در سال ۱۲۶۱ش (۱۸۸۲م) این شهر رو به توسعه نهاد.^۶ این امر در توسعه تجارت و نیز افزایش توان کمی و کیفی بخش خدمات و اهمیت بیش از پیش این شهر در ابعاد سیاسی و فرهنگی نقش به سزایی داشت. افزایش توان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تفلیس تأثیر فراوانی در جلب و جذب مهاجران جوپای کار ایرانی و یا آنانی که از ظلم و ستم حاکم و خفقان سیاسی حاکم بر ایران راهی دیار غربت بودند، ایفا کرد. روزنامه وقایع اتفاقیه به نقل از روزنامه کاوکاز، چاپ تفلیس، شمار «رعایای ایرانی که در سال ۱۲۳۷ش (۱۸۵۸م) در شهر تفلیس اقامت داشته اند» را حدود ۵ هزار نفر تخمین زده است.^۷ میرزا محمد حسین فراهانی نیز شمار اتباع ایرانی در سال ۱۲۶۴ش (۱۸۸۵م) در شهر تفلیس و روستاها اطراف آن را بالغ بر ۴ هزار نفر آورده است.^۸ ارفع الدوله، ژنرال کنسول وقت ایران در تفلیس، تعداد ایرانیان مقیم تفلیس در سال ۱۲۶۹ش (۱۸۹۰م) را ۱۰ هزار نفر نوشته است.^۹ اما اطلاعاتی در خصوص تعداد ایران پس از تاریخ مذکور به دست نیامد.

پیشرفت صنعتی قفقاز جاذبه فراوانی برای ایرانیان بیکار و تهیدست و رنجور از بلایای طبیعی چون قحطی و خشکسالی های متعدد در پی داشت. بدین ترتیب سیل مهاجرت ایرانیان در دوره مورد بحث همواره رو به افزایش می نهاد.

مهاجران ایرانی به تدریج توانستند میزان حضور خود را در مراکز صنعتی، تجاری و کشاورزی قفقاز پررنگ تر نمایند. چنانکه در سال ۱۲۷۲ش (۱۸۹۳م) در مجموع ۷ هزار نفری که در صنعت نفت باکو به کار اشتغال داشتند ۱۱ درصد آنان را کارگران ایرانی تشکیل می دادند. ده سال بعد، تعداد کارگران مذکور به ۲۳۵۰۰ نفر رسید که ۲۲/۲ درصد آنان ایرانی بودند.

۱. وطن دوست، غلامرضا، «ساختار قدرت و اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ناصری و مظفری»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۸۰

۲. رئیس نیا، رحیم، عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب، تهران، چاپار، ۱۳۵۷، ص ۱۵

۳. کرزن، ج، ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحیدمآزندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۷۷.

۴. رئیس نیا، رحیم، پیشین، همان صفحه

۵. کارپردازی حاجی طرخان، اسناد وزارت امور خارجه، بدون نمره، بدون تاریخ، سال ۱۳۱۶ق، کارتن ۳۵، پرونده ۶.

۶. تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۲۰۲.

۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۴۰۲، ۶ ربیع الاول ۱۲۷۵، ص ۵.

۸. فراهانی، میرزا محمد حسین، سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲، صص ۸۰-۷۹.

۹. ارفع، میرزا رضا خان، ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع)، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۵، ص ۳۱۶.

در سال ۱۲۹۴ش (۱۹۱۵ م) به ۲۹/۱ درصد یعنی به تعداد ۱۳۵۰۰ نفر افزایش یافتند و از نظر تعداد، مهاجران ایرانی در صنعت نفت باکو ردیف اول را کسب کردند.^۱

مدرسه اتفاق ایرانیان از تأسیس تا تشکیل جمهوری گرجستان

شهر تفلیس به عنوان مهمترین مرکز فرهنگی قفقاز در قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم شناخته شده است. این شهر از اواسط قرن نوزدهم به بعد همواره به عنوان یکی از کانون های عمده مهاجرت ایرانیان بخصوص افراد علاقه مند به امور فرهنگی بود. مشیرالملک، سفیر کبیرایران در پترزبورگ،^۲ در رایزن های متعدد خود با مقامات روسیه از آنان خواست اجازه تشکیل انجمن خیریه و تأسیس یک باب مدرسه به ایرانیان ساکن در تفلیس داده شود. در نتیجه این تلاش ها، مقامات روسیه از جمله کارگزاران اداره معارف محلی در قفقاز به درخواست وی پاسخ مثبت دادند.^۳ همزمان با تلاش های مشیرالملک، مفخم السلطان، ژنرال کنسول ایران در تفلیس نیز کوشش بسیار کرد که ایرانیان مقیم تفلیس را جهت تشکیل انجمن خیریه هماهنگ کند. این دو از جمله کارگزاران وزارت امور خارجه ایران بودند که به گسترش فرهنگ ایرانی و زبان فارسی علاقمند بودند. مفخم السلطان پیش از ریاست کنسولی ایران در تفلیس، ژنرال کنسول ایران در کلکته بود و در آنجا نیز اقدام به تشکیل انجمنی از تجار ایرانی نمود و مدرسه ای نیز تحت نام «مظفری» بنیاد نهاد.^۴ سرانجام در پی تلاش های آن ها، اداره معارف محلی با تأسیس مدرسه توسط ایرانیان در سال ۱۲۸۴ش (۱۹۰۵ م) موافقت کرد.^۵

از ابتدای انتخاب اعضای انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس در اواخر آذر ۱۲۸۵ (دسامبر ۱۹۰۶)، چهار نفر از دوازده عضو اداره انجمن به عنوان مأمور رسیدگی به امور مدرسه ایرانیان در تفلیس، انتخاب شدند. هر چند طرح تأسیس مدرسه اتفاق در سال ۱۲۸۴ش (۱۹۰۵ م) ریخته شد، اما این طرح به مدت سه سال صورت عملی نیافت. سرانجام در روز ۱۹ شهریور ۱۲۸۷ (۱۲ سپتامبر ۱۹۰۸) مدرسه اتفاق ایرانیان با مساعدت انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و کوشش مفخم السلطان افتتاح گردید. اعضای انجمن خیریه در تأسیس مدرسه و جمع آوری اعانه جهت مخارج آن، نقش مهمی ایفا کردند. دولت ایران نیز سالیانه مبلغ سیصد تومان جهت مخارج مدرسه اتفاق تخصیص داد.^۶

در اولین سال افتتاح مدرسه، تنها کلاس اول ابتدایی گشایش یافت. تا سال ۱۲۸۹ش (۱۹۱۰ م) هر سال یک دوره تحصیلی در مدرسه مذکور گشوده شد که در ابتدای سال تحصیلی ۱۲۸۹ش (۱۹۱۰ م) کلاس های «درجه ابتدایی، درجه تهیه» و کلاس اول تدریس می شد. در ابتدای سال مذکور، کلاس دوم نیز بازگشایی گردید. تعداد دانش آموزان مدرسه اتفاق در سال تحصیلی ۹۰-۱۲۸۹ش (۱۹۱۱-۱۹۱۰ م) در درجه ابتدایی ۲۴ نفر، در تهیه ۲۰ نفر، در کلاس اول ۲۵ نفر و در کلاس دوم ۱۴ نفر بودند.

دروسی که در سال تحصیلی ۹۰-۱۲۸۹ش (۱۹۱۱-۱۹۱۰ م) در مدرسه اتفاق تدریس می شد عبارت بودند از: شریعت، زبان ترکی، فارسی، روسی، عربی، حساب، جغرافیا، تاریخ، حسن خط، نقاشی.^۷ در خصوص نحوه تدریس و میزان مهارت معلمان مدرسه اتفاق تا زمان مذکور، اطلاعاتی در دست نیست. اما برنامه هفتگی مدرسه در سال تحصیلی ۹۰-۱۲۸۹ش (۱۹۱۱-۱۹۱۰ م) دارای نارسایی هایی است که به نظر می رسد اهداف

۱. دهنوی، نظام علی، ایرانیان مهاجر در قفقاز: فعالیت های فرهنگی ایرانیان در سال های ۱۹۳۱ - ۱۹۰۰ م، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۲۲.

۲. دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات عطاردو فردوس، ۱۳۷۱، ص ۱۷. حبل المتین، سال ۱۳، شماره ۲، دوشنبه ۴ رجب ۱۳۲۳، ص ۱۳.

۳. حبل المتین، سال ۱۱، شماره ۲۷، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۲، ص ۲۷.

۴. از ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳.

۵. همانجا، سواد عریضه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۱۱، ۱۴ محرم ۱۳۴۳.

۶. همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، بدون نمره، بدون تاریخ.

۷. همانجا، مداخل و مخارج انجمن خیریه ایرانیان و مدرسه اتفاق در تفلیس.

۸. همان

کارگزاران و موسسین مدرسه آنچنان که شایسته بود عملی نگردید. از جمله دلایل مهم تأسیس مدرسه اتفاق، حفظ و تقویت زبان فارسی و مذهب تشیع اثنی عشری در منطقه قفقاز و بخصوص در میان اتباع ایرانی مهاجر در تفلیس بود. اما در برنامه مدرسه در دوره ابتدایی زبان ترکی به جای زبان فارسی تدریس می شد. نکته دیگر آنکه در تمامی کلاس ها، تدریس زبان گرجی آن هم در مرکز گرجستان انجام نگرفت، در صورتی که تدریس زبان ترکی جایگاه بالایی به خود اختصاص داد. شاید یکی از دلایل اهمیت تدریس زبان ترکی، کثرت تعداد اتباع مهاجر ترک زبان ایرانی در تفلیس بود.

تعداد شش نفر معلم، وظیفه تدریس کلیه دروس مدرسه اتفاق را در سال تحصیلی ۹۰-۱۲۸۹ش (۱۹۱۱-۱۹۱۰م) برعهده داشتند.^۱

موجب معلمان این مدرسه در سال مذکور بدین ترتیب بود:

معلم زبان فارسی ۳۰۰ منات، معلم زبان ترکی ۲۷۳ منات و ۳۲ کپک، معلم زبان روسی ۴۰۰ منات، معلم حساب و جغرافیا ۵۵۲ منات و ۷۸ کپک و معلم درجه ابتدایی ۲۴۰ منات. به منظور تهیه لباس، چکمه و کلاه برای محصلین فقیر و یتیم مبلغ ۳۱۷ منات و ۲۳ کپک هزینه گردید.

به طور کلی، مخارج مدرسه اتفاق در سال ۱۲۸۹ش (۱۹۱۰م) مبلغ ۳۳۵۸ منات و ۹۴ کپک بود. این مخارج از طریق پرداخت اعانه توسط ایرانیان مقیم تفلیس و همچنین ۳۰۰ تومان مساعدت سالیانه دولت ایران به مدرسه اتفاق تأمین گردید.^۲

در دوران مأموریت سردار همایون، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، رسیدگی به امور مدرسه شتاب بیشتری گرفت و اوضاع آن نظم و ترتیب بهتری یافت. وی با اختصاص اعانه های مکرر به انجمن خیریه و مدرسه اتفاق و سرکشی و نظارت منظم و مداوم بر امور مدرسه، در پیشرفت کمی و کیفی آن نقش شایانی ایفا نمود.^۳

شواهد و اطلاعات گویای آن است که پس از اتمام مأموریت مدیر الملک در سال ۱۲۸۹ش (۱۹۱۰م) در تفلیس، نظم و نسق مدرسه اتفاق نیز از هم پاشید. همچنین از این زمان میان اعضای انجمن خیریه، به عنوان تأمین کننده اصلی بار مالی مدرسه، هماهنگی لازم وجود نداشت؛ از این رو، مرجع اصلی گردآوری عایدات مدرسه با مشکل رو به رو شد. با انتخاب مهدی شجاع الدوله به عنوان ژنرال کنسول ایران در تفلیس در سال ۱۲۹۶ش (۱۹۱۷م) شرایط مدرسه اتفاق تا حدودی بهبود یافت. او در اولین اقدام خود، طبق نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس، در صدد اصلاح انجمن برآمد. با برگزاری انتخابات، اعضای جدیدی مسئولیت انجمن را به دست گرفتند و از این طریق شجاع الدوله توانست به بهبود وضعیت انجمن بپردازد. وی سپس اصلاح امور مدرسه اتفاق را در دستور کار خویش قرار داد و «شاگردهای پراکنده شده» را بار دیگر در مدرسه جمع نمود و با اتخاذ برنامه و اصولی صحیح، تدریس در مدرسه اتفاق، پس از مدتی وقفه، بار دیگر آغاز گردید. شجاع الدوله با برگزاری کنفرانس های متعدد، اجرای تئاتر و غیره، منابع مالی متنابهی جهت ساماندهی امور مدرسه ایجاد کرد. وی در سال ۱۲۹۶ش (۱۹۱۷م) مبلغ ده هزار منات اعانه به صندوق انجمن خیریه، به منظور بهبود امور مالی مدرسه، پرداخت کرد. در زمان مأموریت شجاع الدوله در تفلیس، در عمارات انجمن خیریه قرائت خانه و کتابخانه ای تأسیس و اغلب روزنامه های چاپ داخل ایران و روزنامه های محلی به طور مستمر و مداوم در اختیار علاقمندان گذاشته می شد و دانش آموزان مدرسه از آن ها بهره می بردند.^۴

۱. همان

۲. همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس، بدون نمره، ۲۳ محرم ۱۳۲۸.

۳. پیشین

۴. همان

در پی تلاش شجاع الدوله، اوضاع مدرسه در سال ۱۲۹۶ش (۱۹۱۷م) تا حدودی بهبود یافت اما به اتمام مأموریت وی در تفلیس، در سال ۱۲۹۷ش (۱۹۱۸م) امور مدرسه پریشان شد. ورود معزالدوله^۱ به تفلیس به سال ۱۲۹۸ش (۱۹۱۹م) و مأموریت او در منصب ریاست کنسولی ایران در تفلیس نوید توجه و بازنگری کارگزاران کنسولگری ایران در تفلیس را به امور مدرسه اتفاق به ارمغان آورد. او رسیدگی به اوضاع مدرسه را در دستور کار خود قرار داد و در صدد حل بخشی از مشکلات آن برآمد. انجمن خیریه ایرانیان نیز، به علت مشکلات تجار و کسبه ایرانی در پی اغتشاشات و انقلابات روسیه و منطقه قفقاز، توانایی ساماندهی امور مدرسه را نداشت. به هر روی، معزالدوله، اعضای انجمن خیریه ایرانیان و تجار و متنفذین ایرانی در تفلیس را به طور مکرر به کنسولگری دعوت می کرد و اعانه هایی جهت مخارج مدرسه از آنان دریافت می نمود.

کمبود معلم در این سال ها یکی از مشکلات عمده مدرسه اتفاق به شمار می رفت. از این رو، معزالدوله تدریس دروس تاریخ ایران و جهان را به علی رضا خان، نایب دوم کنسولگری واگذار کرد و تدریس دروس جغرافیای ایران و جهان را نیز بر عهده میرزا فضل الله خان، نایب سوم کنسولگری گذاشت.^۲

میرزا علی مستطاب، که مدت ۱۶ سال مدیر مدرسه در تبریز و قره باغ و مدتی نیز مدیر مدرسه اتحاد ایرانیان در بادکوبه را عهده دار بود، در سال ۱۲۹۸ش (۱۹۱۹م) ریاست مدرسه اتفاق را به عهده گرفت و در تنظیم و تسبیح امور آب نقش موثری ایفا کرد. وزارت معارف به درخواست ژنرال کنسول ایران در تفلیس، نشان علمی درجه ۲ را به وی اعطا کرد و مراتب قدرشناسی آن وزارتخانه به وی ابلاغ گردید.^۳

یکی از مشکلات مدرسه اتفاق، کمبود کتب درسی دانش آموزان بود. از آنجایی که این کتب در ایران نگارش و چاپ می شد بایستی از طریق ایران در اختیار مدارس ایرانی در قفقاز قرار می گرفت. در سال ۱۲۹۸ش (۱۹۱۹م) ژنرال کنسول ایران در تفلیس به اشاره مدیر مدرسه اتفاق، از وزارت معارف تقاضای ارسال کتب مورد نیاز جهت تدریس در مدرسه اتفاق نمود.^۴ اما اختصاص بودجه ای جهت خرید کتاب بایستی توسط هیأت وزیران تصویب می شد. وزارت معارف در پاسخ معارف در پاسخ به این درخواست ژنرال کنسول عنوان کرد که اختصاص بودجه ای به مبلغ یکصد تومان را به هیأت وزرا تقدیم کرده است و در صورت تصویب آن، از طریق وزارت امور خارجه در اختیار مدرسه اتفاق قرارگیرد.^۵

اعضای انجمن خیریه نیز در مراسله ای به معزالدوله، با اشاره به نارسایی های مدرسه اتفاق، اصلاح آن را خارج از «قوه اعضاء» انجمن عنوان کردند. آنان از وی خواستند نظر اولیای دولت ایران را به جانب حقوق دانش آموزان مدرسه اتفاق معطوف نماید. اعضای انجمن یادآور شدند «از عدم استطاعت نقدی، تهیه معلم های کافی و دروس و کتاب غیر ممکن شده زحمات اعضاء جمعیت خیریه و شاگردان مدرسه کلیتا به هدر رفته، مدیر مدرسه هم از اجرای پروگرام [مدرسه] عاجز» است. همچنین از معزالدوله تقاضا کردند که خواسته هایشان را به اطلاع مقامات وزارت معارف ایران رسانیده، «... [تا] معلم های کافی و کتاب های لازم به زودی برسانند... و طوری فرمایند که تأمین مدرسه علی الدوام بوده، در هر موقع، امیدوار باشیم که مخارج و سایر لوازم مدرسه از جانب وزارت معارف در تأمین است...».^۶

۱. همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۲۴۴، ۴ شعبان ۱۳۳۵.

۲. همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۱۶۰۱، ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۷. همچنین تلگراف ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۸۲۵، ۲۵ رمضان ۱۳۳۷.

۳. همانجا، وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره ۱۴۲۴، ۱۴ سد ۱۲۹۸. از ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۱۶۰۱، ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۷.

۴. همانجا، وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره ۱۴۲۴، ۱۴ اسد ۱۲۹۸.

۵. همان

۶. همانجا، سواد مراسله جمعیت خیریه ایرانیان، نمره ۴۷، ۲۶ ذیحجه ۱۳۳۷

اسناد و مدارکی که نشان دهد وزارت معارف ایران و یا هیأت دولت در این زمینه اقدامی انجام داده بودند تا کنون به دست نیامده است و مسئله ارسال کتاب و اعزام معلم با حقوق وزارت معارف و غیره مسکوت ماند و اقدامی در این زمینه صورت نگرفت.

با تلاش های مستمر و مداوم ژنرال کنسول ایران در تفلیس و اهتمام فراوان میرزا علی مستطاب، مدیر مدرسه اتفاق، نزدیک به دویست دانش آموز اغلب به صورت مجانی در سال تحصیلی ۱۲۹۸ش (۱۹۱۹م) مشغول به تحصیل شدند. مخارج مدرسه نیز با دریافت اعانه از راه هایی همچون اخذ «یکی دو منات» از هر تذکره - که در کنسولگری ایران در تفلیس صادر می شد - و اجرای تئاتر توسط انجمن خیریه و کنسولگری ایران و نیز ۲۵ تومان مقرری ماهیانه مدرسه که توسط دولت ایران پرداخت می شد، تأمین می گردید.^۱

عدم عایدات مشخص، منظم و کافی، مدرسه اتفاق را در سال تحصیلی ۱۳۰۱-۱۳۰۰ش (۱۹۲۲-۱۹۲۱م) در وضعیت دشواری قرار داد. با وجودی که میزان مخارج ماهیانه مدرسه به حدود سیصد و پنجاه منات می رسید، ولی میزان عایدات بسیار کمتر از مبلغ مذکور بود. این امر موجب گردید استخدام معلمان با تجربه و کاردان در حد نیاز، امری غیر ممکن شود. در نتیجه، تدریس دروس مدرسه اتفاق بخصوص تدریس زبان فارسی، که نیاز به استخدام معلم کافی از ایران داشت، به علت ناتوانی مالی مدرسه، از کیفیت مطلوبی برخوردار نبود. اوضاع نامناسب مدرسه، ژنرال کنسول ایران در کل قفقاز را برآن داشت که در تلگرافی به وزارت امور خارجه، به تشریح مشکلات و نارسایی های مدرسه و مخارج سنگینی که اتباع ایرانی مقیم تفلیس از عهده پرداخت آن عاجز بودند، بپردازد. وی از دولت ایران و بخصوص کارگزاران وزارت معارف خواست «... برای اینکه این مدرسه مطابق مدارس ابتدایی مرکز [=تهران] اداره شود، باید یک مدیر و دو معلم از تهران مأمور و اعزام گردند که مقرری و حقوق آن ها مستقیماً از وزارت معارف مرتباً پرداخت گردد...»^۲ اما وزارت معارف و دولت ایران توجهی به این خواست های انجمن خیریه و کنسولگری ایران در تفلیس ننمودند و مدرسه اتفاق در سال تحصیلی ۱۳۰۱-۱۳۰۰ش (۱۹۲۲-۱۹۲۱م) همانند سال های پیشین مورد توجه لازم نظام دیوانسالاری ناکار آمد و فربه ایران قرار نگرفت.

مدرسه اتفاق در سال تحصیلی ۱۳۰۱-۱۳۰۰ش (۱۹۲۲-۱۹۲۱م) دارای یکصد و بیست دانش آموزش و پنج کلاس درس بود. دروس زبان فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، شریعت و موزیک تدریس می شد.^۳ در پاییز سال ۱۳۰۱ش (۱۹۲۲م) وزارت معارف از دولت خواست، اعتباری برای کمک به مدارس ایرانیان در بین النهرین، آسیای میانه و قفقاز تخصیص دهد. هر چند این اعتبار با گذشت بیش از یک سال مکاتبات اداری، در اواسط سال ۱۳۰۲ش (۱۹۲۳م) به تصویب مجلس شورای ملی رسید، ولی مدرسه اتفاق را شامل نمی شد.^۴

ژنرال کنسول ایران در تفلیس سعی بسیار داشت که مدرسه اتفاق را حفظ نماید. او در یکی از گزارش های خود به تهران در پاییز ۱۳۰۲ش (۱۹۲۳م) بر ضرورت پشتیبانی دولت از این نهاد فرهنگی، تأکید فراوان نمود.^۵ اما این بار نیز پاسخی از سوی وزارت معارف و دولت ایران دریافت نکرد.

در پی فروپاشی روسیه تزاری و شروع اغتشاشات و انقلابات در روسیه و منطقه قفقاز، اوضاع اقتصادی و مالی اتباع متمدل، تجار و بازرگانان ایرانی رو به وخامت نهاد. در آن شرایط، املاک و اموال بسیاری از تجار و بازرگان و کسبه متمدل ایرانی به نفع دولت شوروی مصادره شد که این امر موجب شد بسیاری از آنان قفقاز را به سمت ایران ترک نمایند. آیین

۱. همانجا، از ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۱۶۰۱، ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۷.

۲. همانجا، از ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۴۶۴، ۱۰ اسد ۱۳۴۱.

۳. از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به مجلس شورای ملی، سازمان اسناد ملی ایران، نمره ۸۵۷۳، ۲۱ عقرب ۱۳۰۱.

۴. همانجا، از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به هیأت وزراء، بدون نمره، ۲۱ حمل ۱۳۰۲.

۵. از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره ۱۵۸۱، ۲۴ عقرب ۱۳۰۲.

۶. دهنوی، نظام علی، «قفقاز، انجمن های خیریه ایرانیان در سال های ۱۹۳۱-۱۹۰۰م»، تاریخ روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۸۳، ص ۶۰.

روند بر کاهش میزان عایدات انجمن خیریه تأثیر چشمگیری داشت؛ زیربسیاری از اعضای انجمن از اқشار مذکور بودند و نیز عمده مخارج مدرسه و انجمن توسط آنها تأمین می شد. در نتیجه با ضعف اقتصادی آنان، به عنوان تأمین کنندگان اصلی مخارج مدرسه اتفاق، توان کمی و کیفی مدرسه به طور محسوسی افول یافت. گزارش علی قلی مشاور الممالک، نماینده سیاسی ایران در کل قفقاز، به وزارت امور خارجه در سال ۱۳۰۲ ش (۱۹۲۳م) تا حدود زیادی اوضاع مدرسه را تشریح می نماید و تأثیر جریان های قفقاز پس از فروپاشی روسیه تزاری بر امور مدرسه را هویدا می سازد. وی پس از ورود به تفلیس در مجلس جشن مدرسه، که تعداد یکصد و بیست دانش آموز در آن مشغول تحصیل بودند، با حضور «معتبرین اتباع» ایرانی و معلمان «مردانه و زنانه»، شرکت کرد. وی در گزارش خود اشاره کرد که «سابقاً لباس اوینفرم... به [دانش آموزان مدرسه اتفاق]... داده می شد، ولی در این سنوات انقلاب... اولیای انجمن خیریه به واسطه عسرت مالی نتوانسته اند تدارک نمایند...»^۱

مشاور الممالک در گزارش دیگری به وزارت امور خارجه به طور صریح و روشن به مقامات وزارت معارف تذکر داد در صورتی که مساعدتی به مدرسه اتفاق نشود احتمال انحلال آن وجود دارد. وی یادآور شد «... مدرسه [اتفاق] به واسطه افلاس تجار [ایرانی در] تفلیس به حالت اسفناکی افتاده و اداره کردن آن از قوه مسلمین ایرانی تفلیس به کلی خارج است. در این اواخر حکومت گرجستان درصدد برآمد مدرسه مزبور را به کلی منحل نماید، ولی با واسطه مساعدت سفارت [ایران در مسکو] و اقدام نمایندگی دولت در تفلیس، گرجی ها از این خیال منصرف شدند. ولی تشکیل مدرسه بدون هیچ اعتبار و نداشتن محل معینی پیداست چه حالت خواهد داشت...» به عقیده او «... با اینکه امروزه دولت علیه [ایران] به هزار قسم منافع اقتصادی و سیاسی در گرجستان و در تمام قفقازیه دارد، یک همچون مدرسه [ای] در انظار خوشایند نیست و از پیشرفت مقاصد دولت خواهد کاست...» مشاور الممالک تأکید کرد که وزارت معارف نیز بایستی «... مساعدتی فرماید در اعزام یک نفر مدیر و یک معلم زبان فارسی اقدام نمایند تا مدرسه سرو صورتی گیرد و بر اهمیت و عظمت دولت در قفقاز افزوده شود...»^۲ وی در این گزارش، به نفوذ فراوان عثمانی در قفقاز و خطر آن برای منافع ایران اشاره می کند و به کارگزاران وزارت معارف گوشزد می نماید در صورت عدم مساعدت دولت ایران در حفظ و گسترش فرهنگ ایران «... دور نیست [که] فوراً دولت عثمانی در صدد برآید.»^۳

تلاش های مداوم علی قلی خان مشاور الممالک و احتشام همایون، کنسول ایران در تفلیس و جمعیت خیریه ایرانیان مبنی بر مساعدت وزارت معارف به مدرسه اتفاق و اختصاص بودجه ای به آن در طی سال ۱۳۰۲ ش (۱۹۲۳م) به نتیجه نرسید.^۴ در نهایت، وزارت معارف در تلگرافی به وزارت امور خارجه عنوان کرد که «چون در بودجه هذه السنه وزارت معارف محلی برای مساعدت به مدرسه تفلیس نبود، پیشنهاد تقدیم هیأت محترم دولت شد که تصویب فرمایند ماهیانه اقلأ یکصد و پنجاه تومان از اول میزان هذه السنه به آن مدرسه داده شود، برای سال آتی به ضمن بودجه پیشنهادی، مبلغی برای اعانه به آن مدرسه منظور خواهد شد.»^۵ اما اسناد و مدارک گویای آن است که مشکل مزبور در سال آینده نیز همچنان باقی ماند و وزارت معارف از پرداخت وجوه مزکور خودداری کرد.

تعداد شاگردان مدرسه اتفاق تفلیس در سال تحصیلی ۳-۱۳۰۲ ش (۲۴-۱۹۲۳م) که به صورت مجانی و غیر مجانی به تحصیل اشتغال داشتند، به یکصد و بیست نفر رسید که از این تعداد بیشتر از دو سوم آن ها به طور مجانی تحصیل می

۱. همانجا، از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۳۸۵، ۲۳ جدی ۱۳۰۲.

۲. همانجا، از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره ۴۵۵۸، ۱۹ شوال ۱۳۰۲.

۳. همانجا، از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره ۱۴۹۵، ۶ اسد ۱۳۰۲.

۴. همانجا، سواد عریضه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۱۱، ۱۴ محرم ۱۳۴۳.

۵. همانجا، از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳.

کردند. در سال مذکور تنها از سی نفر از شاگردان مدرسه «حق التعلیم» آن هم به میزان هر کدام ده منات در سال اخذ گردید.

تحصیل در مدرسه اتفاق تا مقطع پنجم ابتدایی مقدور بود. در آن مدرسه دروسی چون زبان های فارسی، ترکی، عربی، روسی، فرانسه، گرجی، قرائت قرآن، قرائت با تجوید و ترجمه، حساب، جغرافیا، علم الاشیاء، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ عمومی، هندسه، حفظ الصحه، تربیت و تعلیم و چکمه دوزی تدریس می گردید. ده نفر معلم نیز تدریس دروس مذکور را بر عهده داشتند که حقوق آن ها به اتفاق خادم مدرسه به ۲۸۵ منات می رسید.

مبلغ اجاره عمارت مدرسه در سال تحصیلی ۳-۱۳۰۲ ش (۱۹۲۳-۲۴م) در حدود ۶۰۰ منات بود. مبلغ ۱۶۰۰ منات نیز صرف مخارجی از قبیل کتاب، دفتر و سایر لوازم تحصیل شاگردان یتیم، فقیر، هیزم، نفت و روشنایی مدرسه می شد. خرید لوازم چکمه دوزی نیز ۵۰ منات هزینه داشت.^۱

اوضاع مدرسه اتفاق در سال ۱۳۰۳ ش (۱۹۲۴م) نسبت به سال های گذشته بیشتر پریشان گردید. وزارت معارف نسبت به تعهدات خویش در قبال ارسال ۱۵۰ تومان اعانه و پرداخت وجه معینی که در سال ۱۳۰۲ ش (۱۹۲۳م) از آن سخن به میان آورده بود، عمل ننمود. انجمن خیریه نیز، به علت ضعف بنیه مالی بیش از پیش ایرانیان مقیم تفلیس و بخصوص تجار ایرانی، از عهده پرداخت مخارج مدرسه به طور کامل ناتوان بود. در خواست های مکرر انجمن خیریه ایرانیان و نماینده سیاسی ایران در کل قفقاز از تهران جهت اعزام یک مدیر و دو معلم زبان فارسی طی چند سال نتیجه ای نداشت. چون بیشتر ایرانیان مهاجر در تفلیس ترک زبان بودند و نیز معلمانی که زبان فارسی تدریس می کردند ترک زبان بودند و توانایی لازم در تدریس آن درس را نداشتند مدرسه اتفاق در انجام یکی از مهمترین وظایفش، یعنی حفظ و گسترش زبان فارسی، تا حدود زیادی ناتوان ماند. گزارش علی قلی خان مشاور الممالک، نماینده سیاسی ایران در کل قفقاز که خود دیپلماتی فعال و توانمند بود و در عرصه رسیدگی به امور مدرسه اتفاق نیز فعالانه تلاش می کرد، خود گویای این واقعیت است. او در گزارشی به وزارت امور خارجه این واقعیت را نمایان ساخت که در مدرسه اتفاق «... ترویجی از زبان فارسی نشده است. فقط یکی از دروس فارسی که با ... متعلمین ترکی زبان تدریس می شود و بالاخره اگر اطفال قدری خواندن و نوشتن فارسی را که در مدرسه یاد گرفته اند به واسطه عدم پراستیک [= تمرین] فراموش شده و بلاثر مانده است...»^۲

مشاور الممالک از ابتدای ورود به قفقاز، مدرسه اتفاق تفلیس و انجمن خیریه ایرانیان این شهر را از نزدیک تحت نظر داشت و «به دفاتر و محاسبات و عایدات و مخارج» آن ها به دقت رسیدگی می کرد. وی در گزارش خود به وزارت امور خارجه، میزان کسری مخارج مدرسه اتفاق را بالغ بر پنج هزار و پانصد منات دانست و یادآور شد که به منظور ابقای مدرسه «اولا باید در تهران از سفارت [روسیه در تهران] خواهش کرد کار کاروانسرای را که وقف و مخصوص مدرسه و قبرستان ایرانیان است به دولت ایران واگذارند که عایدات آن به مصارف مقرر برساند... ثانيا رساندن اقلا دو هزار و چهارصد تومان اعانه از وزارت معارف است که کمک خرج مدرسه شده، بودجه مدرسه را اصلاح نماید.»^۳ اما این بار نیز کارگزاران وزارت معارف همچون سال های پیش از زیر بار چنین درخواست هایی شانه خالی کردند.

تعداد شاگردان مدرسه اتفاق ایرانیان در سال ۱۳۰۳ ش (۱۹۲۴م) به ۱۲۸ نفر رسید که حداقل و حداکثر سن آن ها از ۶ تا ۱۵ سال بود. از این تعداد، ۸۰ نفر آنان از اطفال ایرانی ساکن تفلیس و بقیه نیز اهل دیگر مناطق قفقاز بودند. تعداد ۷۶ نفر از دانش آموزان مذکور به واسطه فقر خانواده هایشان به صورت مجانی به تحصیل اشتغال داشتند و تعداد ۵۲ نفر دیگر نیز سالیانه هرشاگرد مبلغ ده منات شهریه پرداخت می کرد.

۱. همان

۲. همان

۳. همانجا، ترجمه ورقه اجراییه، نمره ۳۳۲، ۱۱ حمل ۱۲۹۸.

در برنامه تحصیلی مدرسه اتفاق در سال ۱۳۰۳ ش (۱۹۲۴م) دروسی چون زبان های فرانسه، فارسی، روسی، گرجی، عربی، موزیک، صنعت، کفاشی، علم طبیعت، جغرافیا، هندسه، قرآن، نقاشی، خط، جبر و مقابله، علم اجتماعی، تاریخ، حفظ الصحه، تاریخ مقدس، علم الاشیا، شریعت و املا تدریس می شد. طبق نظر مشاور الممالک کیفیت تدریس در مدرسه اتفاق «در درجه پست و پایین» قرار داشت.

در مدرسه اتفاق تعداد ۱۰ نفر معلم و دو نفر خادم و دربان مشغول به کار بودند که سه نفر از معلمان از زنان ایرانی ساکن تفلیس بودند. دو نفر از این زنان یکی به نام فرخ خانم قاجار، نواده بهمن میرزا، معلم فرانسه و روسی و دیگری نسا خانم آتایف، معلم زبان گرجی بودند. روی هم رفته، حقوق هر یک از معلمان مدرسه مذکور ماهیانه به مبلغ ۳۰ منات می رسید. عایدات و درآمد مدرسه در سال تحصیلی ۴-۱۳۰۳ ش (۲۵ - ۱۹۲۴م) عبارت بود از: شهریه سالیانه شاگردان مبلغ ۵۰۰ منات و از بابت صدور تذکره در طول سال به صورت تخمینی به مبلغ ۴۰۰ منات بود. طبق بررسی مشاور الممالک، سالیانه مبلغی در حدود ۵۰۰ منات «اعانه متفرقه» به مدرسه مذکور پرداخت شده بود. مبلغ ۸۰۰ منات از عایدات در آن سال بابت اجاره عمارت مدرسه پرداخت گردید.^۱

یکی از مسائلی که کنسولگری ایران در تفلیس، انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و مدیر مدرسه اتفاق در سال ۴-۱۳۰۳ ش (۲۵-۱۹۲۴م) همواره با آن رو به رو بودند مسئله یک کاروانسرا و یازده مغازه ای بود که توسط دولت بلشویکی تصرف شده بود. کاروانسرا و مغازه ها توسط شرکت اسلامیة چای جهت مخارج مدرسه اتفاق وقف آن مدرسه بود. کارگزاران کنسولگری ایران و انجمن خیریه و مدیر مدرسه مدعی بودند که اسناد و مدارکی در دست دارند که اماکن مذکور در سال ۱۲۹۶ش (۱۹۱۷ م) به مدرسه اتفاق وقف گردیده است. ایرانیان مدعی بودند که شرکت اسلامیة چای املاک مذکور را در پایان سال ۱۲۹۶ش (۱۹۱۷ م) و اواخر ۱۲۹۶ش (ابتدای ۱۹۱۸ م) خریداری کرده، آن را به مدرسه اتفاق وقف نموده است و دولت بلشویکی حق تصرف آن را ندارد. ژنرال کنسول ایران در کل قفقاز نیز در تلگرافی به وزارت امور خارجه آورده است که املاک مذکور توسط شرکت اسلامیة چای به مبلغ ۱۵۰ منات خریداری شده است و «عایدات آن را که تا سالی ۳۰۰۰ منات طلا می شود، مخصوص و وقف مدرسه اتفاق و سایر مخارج خیریه نموده...»^۲ است.

در سالهای ۱۲۹۶ش (۱۹۱۷ م) و ۱۲۹۶ش (۱۹۱۸ م) منطقه قفقاز از ثبات خاصی برخوردار نبود و شواهد گویای آن است که در این سال ها تعداد کثیری از تجار و بازرگانان و ایرانیان متمول در تفلیس اموال و املاک خود را از دست دادند. به نظر می رسد شرکت اسلامیة چای پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ املاک مذکور را خریداری کرده بود، اما با شروع تحولات در منطقه قفقاز با تسلط بلشویک ها بر آن منطقه، مدیران شرکت اسلامیة چای با مطرح نمودن مسئله وقف املاک مذکور به مدرسه اتفاق در صدد ممانعت از دست اندازی دولت بلشویکی بر آن املاک شدند. بنابراین خلاصه وضعیت مدرسه ی اتفاق ایرانیان در تفلیس را بر پایه ی یافته های موجود، به شرح ذیل می توان مشاهده نمود:

جدول توصیف وضعیت مدرسه اتفاق بر اساس اسناد موجود

سال	تعداد دانش آموز	تعداد معلم	مخارج	تعداد عناوین دروس
۱۳۲۸-۲۹	۸۳	۶	۳۳۵۸	۱۰
۱۳۲۹-۴۰	۱۲۰	؟	؟	۸
۱۳۰۲-۳	۱۲۰	؟	؟	۱۸

۱. همانجا، از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳.

۲. همانجا، ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۲۸، ۱۴ دلو ۱۳۰۳.

۲۲	۶۰۰	۱۰	۱۲۸	۱۳۰۳-۴
----	-----	----	-----	--------

علامت؟ بدین معنی است که در اسناد موجود اطلاعاتی در این زمینه بدست نیامد.

نتایج جدول فوق نشان می دهد که مدرسه اتفاق در سال ۱۳۲۸-۲۹ هجری قمری ۸۳ نفر دانش آموز داشته که تدریس آنها را ۶ معلم بر عهده داشته اند. هزینه های این مدرسه در سال مذکور ۳۳۵۸ منات بوده و ۱۰ عنوان درس تدریس می شده است این عناوین عبارتند از: شریعت، زبان ترکی، فارسی، روسی، عربی، حساب، جغرافیا، تاریخ، حسن خط و نقاشی.

همچنین مدرسه اتفاق در سال ۱۳۳۹-۴۰ هجری قمری ۱۲۰ نفر دانش آموز داشته است. که تعداد معلمین و هزینه های مدرسه مشخص نیست. اما در این سال ۸ عنوان درس به ترتیب زیر تدریس می شده است: زبان فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، شریعت، موزیک.

در ضمن نتایج بیانگر آن است که در سال ۱۳۰۲-۳ هجری شمسی مدرسه مذکور ۱۲۰ دانش آموز داشته است اما تعداد معلمین و هزینه آن مدرسه مشخص نیست. در این سال ۱۸ عنوان درس به شرح ذیل تدریس می شده است: زبان فارسی، ترکی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، قرائت قرآن، قرائت با تجوید و ترجمه، حساب، جغرافیا، علم الاشیاء، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ عمومی، هندسه، حفظ الصحه، علم تربیت و تعلیم، چکمه دوزی. نهایتاً نتایج بیانگر آن است که در سال ۱۳۰۳-۴ هجری شمسی در مدرسه اتفاق ۱۲۸ دانش آموز مشغول تحصیل بوده که برای آموزش آنها از ۱۰ معلم استفاده می شده است. هزینه های مدرسه در این سال ۶۰۰ منات بوده و در این سال ۲۲ عنوان درس به شرح ذیل تدریس می شده است: زبان فارسی، روسی، عربی، فرانسه، گرجی، موزیک، صنعت، کفاشی، علم طبیعت، جغرافیا، هندسه، قرآن، نقاشی، خط، جبر و مقابله، علم اجتماعی، تاریخ، حفظ الصحه، تاریخ مقدس، علم الاشیاء، شریعت و املاء.

نتیجه

مدرسه اتفاق یکی از مهم ترین و قدیمی ترین مدارس ایرانیان در خاک روسیه به شمار می رفت. موسسان مدرسه مذکور به دو دسته تقسیم می شدند: یکی مأموران ترقی خواه ایرانی در خاک روسیه و دیگر اتباع متمول ایرانی مقیم تفلیس از جمله تجار، بازرگانان و کسبه.

گروه اول تحت تأثیر تغییرات درونی ایران در امر مدرسه سازی و نیز تحولاتی که در عرصه فرهنگی در ممالک جهان و بخصوص ممالک همجوار ایران، همچون دولت های هندوستان، عثمانی و روسیه رخ داده بود، قرار گرفتند. گروه دوم نیز با ارتباطاتی که با مناطق مختلف جهان داشتند، پیشرفت های دولت های بزرگ و قدرتمند را از نزدیک مشاهده کرده، اهمیت و تأثیر نهادهای فرهنگی و گسترش آموزش به سبک و شیوه نوین را درک کرده بودند.

گرچه تأسیس مدرسه اتفاق با تأیید دولت روسیه انجام یافت اما مقامات روس نسبت به حضور ایرانیان در خاک آن کشور علاقمند نبودند. گسترش روابط اقتصادی و سیاسی ایران و روس در واپسین دهه های حاکمیت تزارها، در افزایش و بهبود توان اقتصادی و مالی ایرانیان در منطقه قفقاز و به طبع در تفلیس تأثیر فراوان داشت. افزایش توان مالی ایرانیان در آن منطقه باعث شد که آنان بخش اعظم مخارج مدرسه اتفاق را تأمین نمایند. با شروع آشوب ها و انقلابات در منطقه قفقاز و تنزل توان مالی ایرانیان، مدرسه اتفاق با مشکلات عدیده ای رو به رو شد. در عصر حاکمیت جمهوری گرجستان و سپس تسلط دولت بلشویکی، آنان تلاش کردند که مدرسه اتفاق را تحت نظارت خویش درآوردند، اما ایرانیان مقیم تفلیس و کارگزاران کنسولگری ایران در آن شهر تلاش فراوانی در ممانعت از این اقدام آنان به عمل آوردند. دولت بلشویکی فعالیت مدارس چون اتفاق ایرانیان را در خاک خود تلاش در راستای مقابله با ایده های کمونیستی و نیز همگامی با منافع

امپریالیسم تلقی می‌کرد. نحوه تدریس و نیز برنامه درسی مدرسه اتفاق نیز همگامی و هماهنگی چندانی با مدارس شوروی نداشت و بخش زیادی از دروس به امور دینی و ملی ایرانیان اختصاص داشت، چیزی که اهداف و مرام دولت شوروی با آن منافات داشت.

فهرست منابع و مراجع

کتاب‌ها

۱. ارفع، میرزا رضا خان، *ایران دیروز (خاطرات پرنس ارفع)*، تهران، وزات فرهنگ و هنر، ۱۳۴۵.
۲. تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
۳. دولت آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات عطاردو فردوس، ۱۳۷۱.
۴. دهنوی، نظام علی، *ایرانیان مهاجر در قفقاز: فعالیت های فرهنگی ایرانیان در سال های ۱۹۳۱ - ۱۹۰۰ م*، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. _____، «قفقاز، انجمن های خیریه ایرانیان در سال های ۱۹۳۱-۱۹۰۰م»، *تاریخ روابط خارجی*، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۸۳.
۶. رئیس نیا، رحیم، *عزیز حاجی بگوف و دو انقلاب*، تهران، چاپار، ۱۳۵۷، ص ۱۵.
۷. فراهانی، میرزا محمد حسین، *سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی*، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲.
۸. کرزن، ج، ن، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غ. وحیدمازندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمبو فرهنگی، ۱۳۶۲.
۹. وطن دوست، غلامرضا، «ساختار قدرت و اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ناصری و مظفری»، *پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.

روزنامه‌ها

۱. روزنامه *حبل‌المتین*، سال ۱۱، شماره ۲۷، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۲
۲. روزنامه *وقایع اتفاقیه*، شماره ۴۰۲، ۶ ربیع الاول ۱۲۷۵.

اسناد

۱. *آرشیو وزارت امور خارجه ج.ا. ایران:*
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، بدون نمره، بدون تاریخ.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس، بدون نمره، ۲۳ محرم ۱۳۲۸.
 - سواد عریضه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۱۱، ۱۴ محرم ۱۳۴۳.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۲۴۴، ۴ شعبان ۱۳۳۵.

- مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۱۶۰۱، ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۷. همچنین تلگراف ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۸۲۵، ۲۵ رمضان ۱۳۳۷.
 - وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره ۱۴۲۴، ۱۴ اسد ۱۲۹۸.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۱۶۰۱، ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۷.
 - وزارت معارف به وزارت امور خارجه، نمره ۱۴۲۴، ۱۴ اسد ۱۲۹۸.
 - سواد مراسله جمعیت خیریه ایرانیان، نمره ۴۷، ۲۶ ذیحجه ۱۳۳۷.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۴۶۴، ۱۰ اسد ۱۳۴۱.
 - نامه از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به هیأت وزرا، بدون نمره، ۲۱ حمل ۱۳۰۲.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، نمره ۱۵۸۱، ۲۴ عقرب ۱۳۰۲.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۳۸۵، ۲۳ جدی ۱۳۰۲.
 - نامه از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره ۴۵۵۸، ۱۹ شوال ۱۳۰۲.
 - نامه از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به وزارت امور خارجه، نمره ۱۴۹۵، ۶ اسد ۱۳۰۲.
 - سواد عریضه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه، نمره ۱۱، ۱۴ محرم ۱۳۴۳.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳.
 - ترجمه ورقه اجراییه، نمره ۳۳۲، ۱۱ حمل ۱۲۹۸.
 - مکتوب از نمایندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۹۳۳، ۱۷ دلو ۱۳۰۳.
 - مکتوب ژنرال قونسولگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، نمره ۲۸، ۱۴ دلو ۱۳۰۳.
۲. آرشیو سازمان اسناد ملی ایران:
- مکتوب از وزارت معارف و صنایع مستظرفه به مجلس شورای ملی، سازمان اسناد ملی ایران، نمره ۸۵۷۳، ۲۱ عقرب ۱۳۰۱.

Iranian Ettefagh School in Tiflis **Based on hand- written documents**

Dr. Alireza Ali Sufi*
Nezam Ali Dehnavi**

Abstract

Some important cultural occurrences occurred in Iran in the reign of Mozaffar-al-Din Shah, especially establishment of modern schools. Some modern schools have been established that impressed by internal occurrences outside of Iran borders. Iranian Ettefagh School in Tiflis is a sample of these schools. The founders and the board of directors of the school were some of Iranian progressive councils and diplomats in Tiflis. After a long term of advises between these progressive people finally Ettefagh School established in ۱۳۲۶/ ۱۹۰۷. This school was engaged in deficiencies and financial encumbrance from establishment up to its obstruction. When Caucasus revolutions occurred and Tsars government in Russia collapsed, these difficulties have increased. The Georgian republic state and the Bolshevik state tried to control on Ettefagh School; but the personnel of Iranian consulate and Iranian residents in Tiflis so tried to blockage their acts. Soviet Union could not accept these kinds of schools and assumed that their activities were such as promotion of in-revolution thoughts. Finally Ettefagh School closed for the reason of the Bolshevik state impact and the lack of public acceptance of Iranian residents in Tiflis.

Keywords: Iranian Ettefagh School, Tiflis, Iranian Welfare committee, Caucasus, Georgia.

*Ph D on history after Islam, Assistant Prof. at Payam Noor University

** Ph D student at Payam Noor University

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.